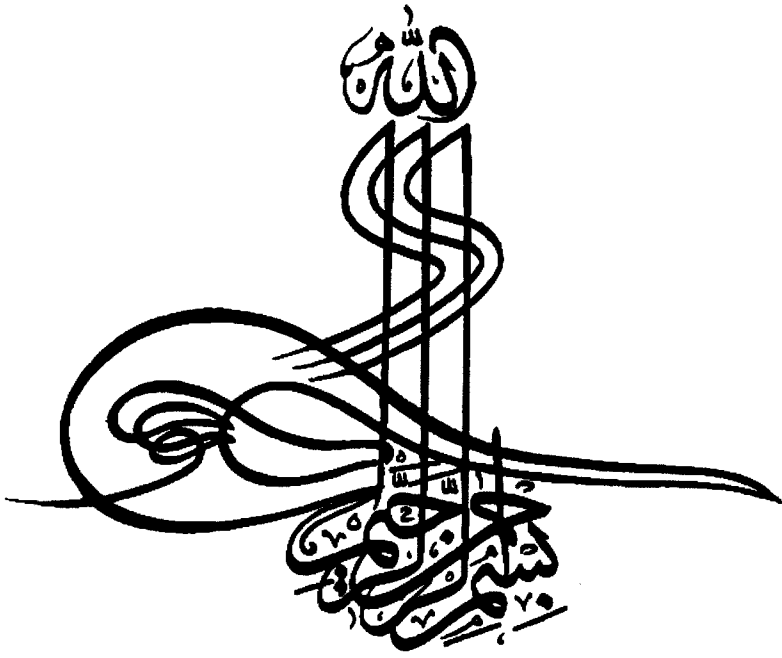
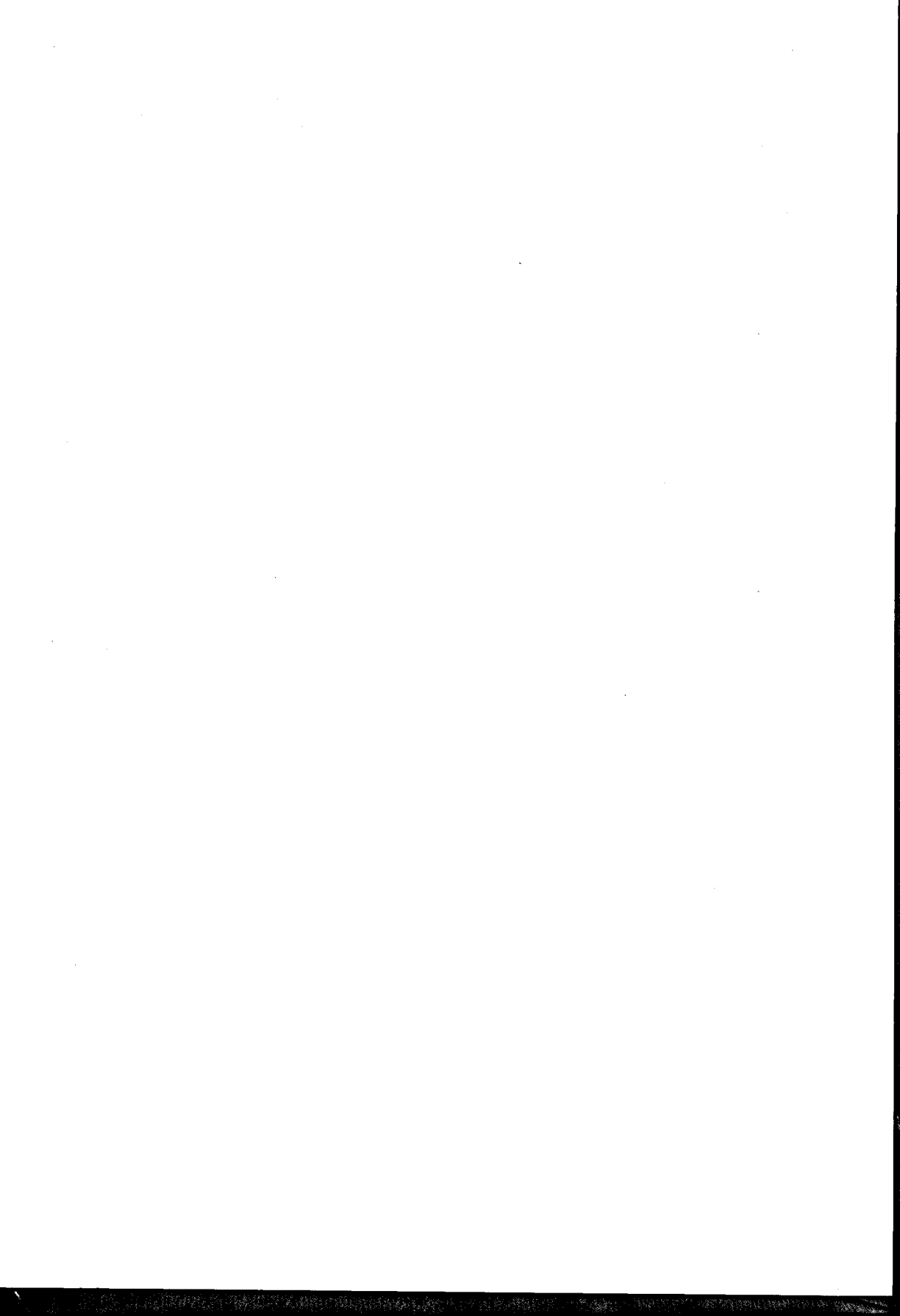


٢٢٤





بر بلندای بیستون

-
- سرشناسه : رحیمی زنگنه، ابراهیم، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور : بر بلندای بیستون: یادنامه استاد بهزاد کرمانشاهی
مشخصات نشر : تهران: معین ۱۳۹۴
مشخصات ظاهر : ۶۶۸ ص.
شابک : 978-964-165-144-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر.
یادداشت : <http://opac.nlai.ir> : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:
شناسه افزوده : گلستان فر، ناصر، ۱۳۴۵
شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
استان کرمانشاه
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۲۴۶۱
-

بر بلندای بیستون

یادنامهٔ استاد بهزاد کرمانشاهی

به خواستاری

ناصر گلستان فر

ابراهیم رحیمی زنگنه



انتشارات معین



انتشارات معین

روبروی دانشگاه تهران، فخررازی، فاتحی داریان، پلاک ۳
صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۴۵ تلفن ۶۶۴۰۵۹۹۲ و ۶۶۹۷۳۷۲
www.moin-publisher.com
E-mail: info@moin-publisher.com

بر بلندای بیستون

(یادنامه استاد بهزاد کرمانشاهی)

به خواستاری: ناصر گلستان فر، ابراهیم رحیمی زنگنه

خط روی جلد: استاد غلامحسین امیرخانی

طراح جلد: استاد فرزاد ادیبی

حروف نگار: فیروزه استوان

صفحه آرا: سهیلا صیادپور

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف نگار

با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه

تلفن مرکز فروش: ۶۶۴۱۴۲۳۰ - ۶۶۴۰۵۹۹۲ (پخش معین)

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

_____ دکتر ابراهیم رحیمی زنگنه

_____ دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

_____ دکتر میرجلال‌الدین کزازی

_____ ناصر گلستان‌فر

سالشمار زندگی

مقالات

- بزرگ پنهان در مه / فریبرز ابراهیمپور ۲۱
- دردها و دغدغه‌ها / محسن احمدوندی ۵۲
- درگذشت یدالله بهزاد / ایرج افشار ۶۸
- پهلوانان شاهنامه در اشعار ... / صمد امیریان ۷۶
- به یاد استاد بهزاد / ادیب پرومند ۸۹
- شرح غزلی از حافظ / محمدرضا راشد محصل ۹۲
- نگاهی به زندگی و... / سیدمسعود رضوی ۱۰۸
- بهزاد قصه‌گو / اسماعیل زرعی ۱۲۹
- شعر فارسی از بیدل تا بهزاد / محمدعلی سلطانی ۱۵۳
- رفتار عارف با زبان / محمدرضا شفیعی کدکنی ۲۳۸
- گل‌های رنگین / ابوالقاسم شیدا ۲۴۵
- بررسی قالبهای شعری و... / شهرزاد شیدا ۲۸۱
- کتابخانه‌ی استاد بهزاد / همایون شکری ۳۱۴
- در خجستگی نام ایران / کامیار عابدی ۳۲۲
- نگاهی به زندگی و آثار یدالله بهزاد کرمانشاهی / یدالله عاطفی ۳۳۷

- گسترده‌گی زبان و ادبیات پارسی ... / مسعود عرفانیان دلاور ۳۴۵
- یادی دیگر از بهزاد / مرتضی کاخی ۳۸۳
- یادی از دانشی مرد ... / کیومرث کرم‌یافتی ۳۸۷
- راز روز در دل شب / میرجلال‌الدین کزازی ۴۱۱
- شعر و شاعران پارسی‌گوی ... / اردشیر کشاورز ۴۲۲
- بهزاد و آینده / ناصر گلستان‌فر ۴۳۲
- ارمغانی جاوید / سیدناصر حسینی میدی ۴۵۱
- اخلاق در آینه‌ی شعر استاد بهزاد / سلطان‌مراد میری، محمدنبی احمدی ۴۵۷

یادها و خاطره‌ها

- یادی از دبیرستانها و دبیرانم / عبدالحسین آذرنگ ۴۷۳
- در صحبت دوست / اردشیر اکبری ۴۸۸
- بعد از تو / محمد امجدیان ۴۹۹
- نیم قرن دوستی با بهزاد / علی باقرزاده ۵۰۲
- یاد باد آن روزگاران (۱) / بدرالدین پورمیدانی ۵۰۸
- استاد ما بهزاد / عبدالله جواری ۵۰۹
- آن شیفته‌ی دانایی / محمدعلی چاووشی ۵۱۴
- نوای دلکش / آرشام خرسندپور ۵۲۱
- یادی از یدالله بهزاد کرمانشاهی / ولی‌الله درودیان ۵۲۴
- از آخرین وداع / محمد قهرمان ۵۲۹
- نامه‌ای از شفیع کدکنی / محمدرضا شفیع کدکنی ۵۳۰
- یاد دورانی خوش باد / رحیم معینی کرمانشاهی ۵۳۲

- ۵۳۸ یاد بهزاد / محمد گلبن
- ۵۴۶ یاد باد آن روزگاران (۲) / یدالله محبی
- ۵۴۸ آقای بهزاد / سید مرتضی معراجی
- ۵۶۲ در کوچه‌های کودکی / شهرام ناظری
- ۵۷۲ انتقادهای اخوان ثالث ... / منوچهر هدایتی خوشکام

یاد بهزاد در شعر شاعران

- ۵۷۸ بوی خاک / حسین احمدی محبوب
- ۵۷۹ عید آمد / مهدی اخوان ثالث
- ۵۸۱ گل شاعران معاصر / عباس درویشی
- ۵۸۴ در این باغ / جعفر درویشیان
- ۵۸۶ مرثیه‌ی درخت / محمدرضا شفیعی کدکنی
- ۵۹۰ مراد اهل سکوت / علی شمس‌علیزاده
- ۵۹۲ آرزوی آرزو / اسدالله عاطفی
- ۵۹۴ قافله سالار / علی‌اشرف نوبتی
- ۵۹۸ غریب خوانی (۱) و (۲) / جلیل وفا
- ۶۰۲ به یاد استاد / فرشید یوسفی
- ۶۰۷ اشعار استاد بهزاد

..... اشعاری از استاد بهزاد در خط خوشنویسان

..... از آینده‌ی عمر

سخن آغازین

پاسداشت فرهیختگان و تجلیل از آنان وظیفه‌ای است که بایستی در ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی بدان پرداخته شود. برای تحقق این وظیفه تصمیم بر آن شد تا یادنامه‌ای فاخر و در شأن استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی تدوین گردد. به همین منظور از آبان ماه سال ۱۳۹۲ فراخوانی برای دریافت هرگونه اثر، اعم از خاطره، شعر و مقاله‌ی علمی درباره‌ی استاد بهزاد منتشر گردید؛ تا علاقه‌مندان به استاد، آثار خود را برای چاپ در یادنامه‌ی ایشان ارسال نمایند. در ادامه‌ی کار برای ارتباط موثر با استادان برجسته‌ی زبان و ادبیات فارسی و دوستان نامی استاد بهزاد، از جناب ناصر گلستان‌فر دعوت به همکاری شد که خوشبختانه با پیگیری و جدیت ایشان در ارتباط با بزرگان زبان و ادبیات فارسی روند کار سرعت گرفت و نهایتاً پنجاه مقاله‌ی علمی، خاطره و شعر از دوستان استاد بهزاد و استادان برجسته‌ی فرهنگ و ادب ایران دریافت گردید و مجموعه‌ای وزین و فاخر تهیه و تدوین شد.

استاد یدالله بهزاد از شاعران فرهیخته و از دنیا گسسته و اخلاق‌مدار و برجسته‌ای هستند که به واسطه‌ی سجایای اخلاقی و انسانی دارای ویژگی‌های بسیار ارزشمندی بودند. بزرگداشت شخصیت اخلاقی و فرهنگی این بزرگمرد در حقیقت بزرگداشت همه‌ی ارزش‌های والای انسانی است. در دوره‌ای از تاریخ که

خودنمایی و تزویر بر مناعت طبع و فرهیختگی و سطحی‌اندیشی و تملق بر منانت می‌تازد، گرامیداشت یاد و پاسداشت نام بزرگمردی چون استاد بهزاد برای تبیین جایگاه حقیقی شاعران ارزش‌مدار کاری مانا و اثربخش خواهد بود. در پایان لازم است، صمیمانه از زحمات و پیگیری‌های جناب ناصر گلستان‌فر که خود، گلستانی از اندیشه و دانایی است، سپاسگزاری نمایم. همچنین از جناب آقای خلیل کهریزی که ویراستاری مقالاتی از کتاب حاضر را انجام دادند و همچنین همه‌ی همکاران پرتلاش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه که در به ثمر رساندن این اثر ارزشمند ما را یار و مددکار بودند سپاسگزاری کنم.

بمنه و کرمه

ابراهیم رحیمی زنگنه

۱۳۹۳/۱۲/۲۲

استاد یدالله بهزاد کرمانشاهی یکی از مفاخر فرهنگ ایران زمین در عصر ما بود از آن مردانی که در هر قرنی چند تنی در گوشه و کنار این کشور، سر بلند می‌کنند و با تمام هستی خود در راه تعالی فرهنگ و اخلاق جامعه می‌کوشند و مجموعه این‌گونه مردان حلقه‌های زرین تداوم ایران و ملت ایران بشمار می‌روند و ایران را از نسلی به نسل دیگر تحویل می‌دهند.

من از سال‌های ۱۳۳۹ با او از نزدیک آشنا شدم وقتی که به خراسان آمد و جامعه ادبی خراسان او را بدان‌گونه که بود ستود و در محافل ادبی آن روزگار از شعر و هنرش تجلیل کرد. در انجمن ادبی فرخ بود که او را نخستین‌بار زیارت کردم و پس از این سفر بود که قصیده شیوای خویش را بدین مطلع سرود و بنظرم در یغمای همان سالها منتشر کرد:

دیدم آن مایه محبت ز خراسانیا

که فسونسازی و نیرنگ ز تهرانیها

پس از این سفر، بارها و بارها به خراسان می‌آمد و بر حرمتش روزبروز می‌افزود. آخرین باری که خواستم با او صحبتی داشته باشم نزدیک به نوروز بود. خانمی که تصور می‌کنم خواهر محترم ایشان بود، گفت «در خواب‌اند» و من از لحن آن بانوی بزرگوار دریافتم که آنچه درباره بیماری او از دوستان مشترک شنیده‌ام حقیقت دارد و دلم لرزید.

در فاصله این تلفن و آنچه از حدود سال ۱۳۳۹ میان من و بهزاد بود همه از سوی من ارادت بود و از جانب او لطف و مهربانی نیم قرن و شاید هم اندکی بیشتر از نیم قرن میان ما دوستی بی‌شائبه وجود داشت. در آن سوی مسأله شعر و ادبیات، که در مرکز علائق ما بود، من با بهزاد یک نقطه‌ی اشتراک دیگر نیز داشتم و آن شیفتگی مشترک ما به قهرمان بزرگ ملت ایران دکتر محمد مصدق بود. من شعر «مرثیه‌ی درخت» را که روز دوم درگذشت مصدق سروده بودم در چاپ اول «از زبان برگ» به او تقدیم کردم که سوگوار این حادثه بود. در چاپ‌های بعد، به دلیل اینکه نخواستم دردسری برای او باشد نام او را برداشتم.

نام و یاد عزیز او بر صفحات تاریخ شعر و ادب ایران همواره خواهد درخشید و منظومه شمس‌ی‌ی از شاعران و هنرمندان غرب ایران را - که او خورشید این منظومه است - در سپهر ایران بزرگ جاودانه خواهد کرد.

محمد رضا شفیعی کدکنی

تهران ۹۳/۱۱/۷

دستخط دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

ابتدا بداند بخواد که این بر نیک از نه فرزند ایراخ زین در علم ما
 از این مردان که در هر قریبی هستند در گوشه و گوشه کشور، سر بلندی کنند و با
 صحتی خود در راه تمام فرزند و اجناب جمع می گویند و مجموعه
 این گونه مردان صلوات بر زین تدایم ایراخ و ملت ایراخ بگرد
 می رود و ایراخ را از نسل دیگر خوبترین رهبر
 من در سال ۱۳۵۹ با ولد از نزدیک آنکه ششمی
 که به فرات آمد و جسد او در میان اولاد بدست گرفته بود
 شد و در روزی که از این کشور از استور و صحرای تجسیر کرد. در آنجا
 تفریح بود که ابتدا تحقیق بار زیارت کردم و سپس از این سفر بود که
 مقصد شیراز خوبترین بدین ملاحظه کرد و در علم این ملاحظه
 مقرر کرد:

دیدم که مایه محبت زفرات
 که طوف زرد و نیزنگ زهر آلود
 سر از این سفر، بار بار به فرات آمد و در هر وقت
 بی افروخته

آفرین بار که خاستم با او صحبتی داشته باشم
 نزدیکی بنده در بود و خانی که کهری گتم خراب گتم این بود
 گنت "در خواب آمد" و من از این گتم با ندرت بزرگه از این گتم
 که آنچه در باره بیار او از دستم مقرر شده ام صحبت کرد

وردالم لرزیه

در فاصله سه تن و آنچه از عدد سال ۱۳۴۹ سیاح من و بهرادر
 بعد هم از نور من کدایت بود و از جانب او لطف در هر باطن
 نیم قرخ و تیدم اندکی بیشتر از نیم قرخ سیاح ما در کجایی تبه کج
 راست . در کج کورس ما که شعوراد است که در خزان عهد حق
 ما بعد من با بخوار یک نقطه اشتراک دیگر نیز داشتیم و کج شعقی
 مشترک ما به قرخ بزرگ است ابراهیم در کج صدق بود
 من شعور شده در هفت کلا که روز دوم در کج است صدق سرور بودیم
 در کج اول « از رخ برگ » به لود تیدم کرم که سوگند لغت
 صاف بود . در کج بده به دلهر اشک نخ استم در کج سر بر او
 به تمام اصل بر استم

نام دیار عزیز او بر هفت تیرخ شعوراد با ابراهیم همواره
 ذاهد خورشید و منظومه شمسی بی ازت عراخ و صغرنده غب
 ابراهیم کلا - که او خورشید منظومه - در کج ابراهیم
 بزرگ صدفانه ذاهد کرد .

محمد شریف کرمی
 ۴۳ / ۱۱ / ۷
 تاج

زنده‌یاد بهزاد، سخنور نامدار و فرخ‌نهادِ کرمانشاهی، را - که روانش در جهانِ نهان شاد باد و از بندِ هر اندوه و آزارِ آزاد!- یادنامه‌ای شایان و نمایان، هر آینه، می‌سزید و می‌برازید تا ادبدانان و سخن‌سنجان بتوانند در آن سروده‌های وی را بکاوند و نغزی‌ها و نازکی‌ها، سرگی‌ها و ستواری‌های آن را بر رسند و آشکار بدارند که چرا او سخنوری بوده است نامدار و در کارِ باریک و دشوار شاعری، بختیار و کامگار.

اکنون نیک مایه‌ی شادمانی و قدردانی است، همه‌ی دلبستگانِ سخنِ پارسی، به ویژه کرمانشاهیان و دوستدارانِ بهزاد را که یادنامه‌ی وی، به شیوه‌ای شایسته، فراهم آورده شده است و فرا پیش‌خوانندگانِ گرامی نهاده. با این یادنامه کرمانشاه یکی از فرزندانِ نام‌آور و برومندِ خویش را، به گونه‌ای ستوده و سزاوار، بزرگ می‌دارد و ارج می‌نهد و سپاس می‌گزارد، به پاس آنکه نامش را، به یاریِ هنر همایون و سخنِ سخته‌اش، بلند گردانیده است و ارجمند.

در فرجام این یادداشت، می‌شاید که از تلاشِ ارزنده‌ی سرپرست فرهیخته و سخندانِ فرهنگی‌ترین نهادِ دیوانی کرمانشاه، آقای دکتر ابراهیم رحیمی‌زنگنه، نیز از کوششِ پرشور و پیگیر آقای ناصر گلستان‌فر، روزنامه‌نگارِ سخن‌سنج و نستوه در کارهای فرهنگی و ادبی، سپاس بگزارم که این یادنامه‌ی گرانمایه و برین‌پایه را فراهم آورده‌اند و به چاپ رسانیده‌اند؛ یادنامه‌ای که یاد بهزاد را بیش از پیش، در دل و نهاد ایرانیان ادب دوست، جایگیر و پایدار خواهد گرداند.

میرجلال‌الدین کزازی

کرج، آبان ماه ۱۳۹۳

بیش از یک سال از پیشنهاد دوست فرهیخته‌ی فرهنگمند، جناب دکتر ابراهیم رحیمی‌زنگنه می‌گذرد.

ایده و آرزویی که به فاصله‌ی کوتاهی بعد از درگذشت استاد بهزاد، بسیاری از سازمان‌ها، نهادهای اداری و دانشگاهی با توافقی هماهنگ، قصد انجام آن را داشتند و گویا، کار در حد تهیه و نصب تعدادی پوستر به جای دیگری، نرسید. به هر روی، همان‌گونه که جناب دکتر میرجلال‌الدین کزازی در کتاب حاضر بدان اشارت کرده‌اند، امروز کرمانشاه، برای نخستین بار، توانسته است، یادنامه‌ای شایسته و بایسته در پاسداشت یکی از فرزندان برومند خود منتشر کند.

ارجنامه‌ای که سزاوار بود پیش از این نیز، به مفاخری چون میرزا باقر خسروی، حسین کزازی، ابوالقاسم خان لاهوتی، میرزااحسین‌علی خان مهندس‌گوران (هندسی)، غلامرضا خان رشیدیاسمی، رحیم معینی‌کرمانشاهی و بسیاری کسان دیگر می‌پرداخت که در ایران نوین سده‌ی اخیر، از پیشگامان و نواندیشان فرهنگ و ادب و هنر بوده‌اند.

کوتاه سخن، آنچه در پایان این نوشتار نباید از یاد برد، سپاس و قدردانی از استادان و دوستانی است که با شاگردنوازی و مهربانی، دوستدار و همراه سالیان خود را مورد عنایت قرار دادند تا این یادنامه به سرانجام برسد که به قول صائب:

چون کوه، بزرگان جهان آنچه به سائل

بی منت و بی فاصله بخشند، جواب است

با ادب و احترام، ناصر گلستان‌فر

دی ماه ۱۳۹۳

سالشمار زندگی

تولد در کرمانشاه	نیمه‌ی بهمن	۱۳۰۴
آغاز تحصیلات ابتدایی در دبستان هدایت		۱۳۱۳
پایان تحصیلات ابتدایی		۱۳۱۹
درگذشت مادر، آغاز تحصیلات متوسطه در دبیرستان شاهپور	آبان	۱۳۱۹
دریافت دیپلم علمی و پایان تحصیلات پنج ساله‌ی دبیرستان	خرداد	۱۳۲۵
دریافت دیپلم ادبی (سال ششم دبیرستان)	خرداد	۱۳۲۶
آغاز تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران از محضر استادانی چون؛ ملک‌الشعراء بهار، جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، ابراهیم پورداوود احمد بهمنیار، دکتر محمدمعین، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر پرویز ناتل خانلری و ...	مهر	۱۳۲۶
ناتمام گذاشتن تحصیلات دانشگاهی در سال آخر		۱۳۲۹

- استخدام در وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش فعلی) به عنوان دبیر پیمانی و شروع به کار در دبیرستان پهلوی (این دبیرستان بعد از انقلاب به «مصطفی پروینی» تغییر نام یافت) و ساعاتی اندک در سایر دبیرستان‌های کرمانشاه
- سفر به تبریز و دیدار با استاد شهریار ۱۳۳۶
- انتشار قصیده‌ای با مطلع: ۱۳۳۷
- پسند مردم دانا حدیث دنیا نیست
حدیث دنیا، آری پسند دانا نیست
- در مجله‌ی یغما که سبب اشتهار وی شد
- سفر به مشهد و دیدار با محمود فرخ خراسانی و آشنایی با شاعران بزرگ آن خطه ۱۳۳۸
- تاریخ استخدام رسمی در فرهنگ و تداوم تدریس در دبیرستان پهلوی ۱۳۳۹
- بازنشستگی پیش از موعد به درخواست شخصی ۱۳۵۹/۷/۱
- درگذشت خاله‌ی به جای مادر آمده مرداد ۱۳۶۵

- | | | |
|--|------|----------|
| درگذشت پدر در غربت (تهران) | بهمن | ۱۳۶۵ |
| انتشار گزیده‌ای از اشعار با عنوان
(گلی بیرنگ) به انتخاب دکتر محمدرضا
شفیعی کدکنی | بهار | ۱۳۸۱ |
| موافقت با انتشار گزیده‌ی دیگری از
اشعار با عنوان «یادگار مهر» که در انتظار
دریافت مجوز است. - این کتاب بعدها
توسط نشر آگاه در پاییز ۱۳۸۷ منتشر
شد- | | ۱۳۸۵/۵/۵ |
| درگذشت و خاکسپاری در باغ فردوس
شهر کرمانشاه | | ۱۳۸۶/۱/۵ |

آثار منتشر نشده

- گزیده‌ی سخن
- سخنی دیگر
- خُرده سخن
- سخن چهارم

این دفترها به خط آقای محمدرضا احمدی کتابت شده است.

- سخن پنجم (سرگذشت)؛

مجموعه اشعار فارسی محلی (عامیانه) و کُردی کرمانشاهی

از سر ما بیگناهان درگذشت آبِ ستم

کو مجالی تا بگرید دیده بر این: سرگذشت؟

یدالله بهزاد

- چل تکه

• مجموعه‌ای از اشعار چند سال اخیر به خط شاعر

- اخوانیات

با دوستان و یاران به خط شاعر

• گردآوری مجموعه‌ای از اشعار شاعران کرمانشاه از عصر قاجار تا امروز در

دو جلد

• تدوین مجموعه‌های خطی بسیاری از شعر شاعرانِ کرمانشاه، از جمله دیوان
کسانی چون نامی، بیدل، سلطانی کلهر، الله‌دوستِ سالک، بسمل و محرم
کرمانشاهی

بزرگ پنهان در مه

فریبرز ابراهیمپور. (ف. الف. نگاه)*

نشان آشنا

گفتگویی گرم و شیرین بود
با کسی گفتی کسی را در پس دیوار
که سکوتِ سالیان را از فضای کلبه‌ام می‌راند،
و مرا زان چاهسار درد
سوی در می‌خواند
«کیست این؟» - با خویش می‌گفتم -
«آشنایی بی‌گمان می‌پرسدم احوال

ورنه در وقتی چنین، بیگانه را زین سو گذاری نیست
کیست این؟... این کیست!؟

*

سوی در رفتم
پای من گه چابک و گه سست
دل بجوش از شوق آن دیدار.
رفت تا ژرفای تاریکی، نگاه من
وندر آن ظلمت، نشانی ز آشنا می جست

*

پشت در، شب خسته، خواب آلود
بر جدار کوی و برزن، قیر می اندود
و نسیمی شوخ را با در،
گفتگویی گرم و شیرین بود

فروردین ۱۳۴۷

یدالله بهزاد، مجله‌ی تلخ، فروردین ۱۳۶۳

منابعی که تاکنون به گونه‌ای مختصر، به جایگاه ممتاز یدالله بهزاد در ادبیات پرداخته‌اند و از این سخنور، اثری چاپ نموده و یا ذکری به میان آورده‌اند، به شمارش صاحب این قلم بیش از ده نشریه و کتاب بوده است.

۱. مجله‌ی یغما
۲. ماهنامه‌ی سخن
۳. مجله‌ی صدف
۴. مجله‌ی نگین
۵. مجله‌ی آینده
۶. مجله‌ی تلخ
۷. بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج
۸. دیوان شهریار
۹. باغ هزار گل
۱۰. باغ ابریشم
۱۱. مرگ امید

۱۲. گزیده‌ی اشعار منتشر نشده‌ی اسدا... عاطفی، کتب و نشریات دیگری که چشم تعجیل من موفق به یافتن آنها نشده است. اما دریا را که به قدح پیمانه نمی‌کنند.

شأن ادبی یدالله بهزاد، همچون خوابی عمیق و سحرانگیز هنوز ناگفته مانده است. تکلم نام جلیل او در خطه‌ی شاعران، خود به تنهایی کافی است تا هاله‌ای از ادب و کرامت پدید آورد و دیگر اینکه آدمی در حریم آثار او هرچند ثقیل و خوددار باشد، قادر به چشم‌پوشی بر اصالت نظر و مناظر بدیع صور خیال و ذرات مخمل‌گونه‌ی اندیشه و قطعیت ویژه‌ی سخن او نیست.